

نگاه قرآنی به خود ارزشمندی انسان و نقش آن در پیشگیری از خودکشی

حمید ستوده^۱، مجتبی معصوم بیکی^۲، ندا کنعانی^۳

چکیده

هدف: از انجام این پژوهش، تبیین جایگاه و ابعاد خود ارزشمندی از منظر قرآن کریم و بررسی نقش این نگرش در تقویت سلامت معنوی و پیشگیری از رفتارهای خودویرانگر به‌ویژه پدیده خودکشی است. این تحقیق می‌کوشد با تحلیل آیات مرتبط با عزت و کرامت نفس، نشان دهد که چگونه نگاه توحیدی و کرامت‌محور قرآن به انسان می‌تواند در بازسازی معنای زندگی و مقابله با بحران‌های روانی وجودی، مؤثر واقع شود؛ و از طرفی پاسخ‌گوی این سوال باشد که چرا قرآن کریم انسان را از خودکشی منع کرده است.

روش بررسی: این پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته که با مراجعه به کتاب قرآن کریم، مواد و داده‌های لازم به‌دست آمده و بررسی شده است.

یافته‌ها: الف) شناخت هویت الهی انسان، زمینه‌ساز معنا یافتن زندگی است. ب) آموزه‌های قرآنی با القای مفهوم «مسئولیت الهی»، «آزمایش بودن سختی‌ها» و «امید به رحمت الهی» (زور: ۵۳)، انسان را از فرورفتن در ورطه ناامیدی و خودویرانگری باز می‌دارد. پ) پیشگیری از خودکشی از منظر قرآن، از مسیر بازیابی معنای زندگی و خود ارزشمندی می‌گذرد. ت) کرامت انسان در قرآن، امری فطری و ذاتی است. ث) خودشکوفایی و کرامت ارزشی، محصول انتخاب معنوی انسان است. نتیجه‌گیری: قرآن با ارائه چارچوبی توحیدی برای تفسیر سختی‌ها و رنج‌ها در زندگی، به او معنایی ژرف و هدفی بلند می‌بخشد. از همین رو، کرامت‌بخشی قرآن به انسان می‌تواند، به‌مثابه سدی در برابر پدیده خودکشی ناشی از فروپاشی معنوی عمل کند.

واژه‌های کلیدی: خودکشی، سلامت معنوی، کرامت انسانی، هدفمندی زندگی، هویت انسانی

*۱. نویسنده مسئول. دانشیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ایران؛ تهران؛ و دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت sotudeh.h@iums.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد، تهران شمال. تهران. ایران mojtababeygi1368@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد، تهران شمال. تهران. ایران neda77kanani@gmail.com

۱. مقدمه

پدیده خودکشی، یکی از چالش‌های جدی در جوامع معاصر است که ریشه در بحران معنا، احساس بی‌ارزشی و ناامیدی دارد. انسان امروز با افزایش فشارهای روانی، فردی و اجتماعی، بیش از پیش با خلأ معنوی و بحران هویت مواجه شده است؛ تا آنجا که در مواردی، مرگ داوطلبانه را راه‌حلی برای رهایی از رنج‌ها تلقی می‌کند. در این میان، بازگشت به منابع وحیانی، به‌ویژه قرآن کریم، می‌تواند افقی تازه در پیشگیری از این معضل بگشاید.

قرآن، انسان را موجودی برخوردار از کرامت ذاتی معرفی می‌کند که با دمیدن روح الهی، شأن و جایگاهی خاص در نظام هستی یافته است. این کرامت، نه تنها ارزش وجودی انسان را اثبات می‌کند، بلکه با ترسیم هدفی والا برای زندگی بشر، او را به سوی کمال، عبودیت و تقرب الهی سوق می‌دهد. از نگاه قرآن، انسان دارای اختیار، مسئولیت و توان رشد معنوی است و حتی رنج‌ها و سختی‌ها نیز در چارچوب آزمون الهی معنا می‌یابد.

بر این اساس، درک صحیح از کرامت انسانی در قرآن، می‌تواند یکی از مؤثرترین راهکارها در پیشگیری از خودکشی باشد؛ زیرا فردی که خود را صاحب ارزش و هدف بداند، در برابر بحران‌ها ایستادگی کرده و به جای فرار از زندگی، در پی معنا و رهایی واقعی خواهد بود. پژوهش حاضر درصدد است تا با واکاوی آیات مرتبط، ابعاد مختلف کرامت انسانی از منظر قرآن را بررسی کرده و نقش آن را در ارتقای سلامت معنوی و کاهش گرایش به خودکشی تبیین نماید.

۲. روش بررسی

این پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته که با مراجعه به کتاب قرآن کریم، مواد و داده‌های لازم به‌دست آمده واکاوی و بررسی شده است.

۳. یافته‌ها

الف) شناخت هویت الهی انسان، زمینه‌ساز معنا یافتن زندگی است؛ آیات قرآنی با تأکید بر هدفمندی خلقت «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶)، به انسان چشم‌اندازی از حیات می‌بخشد که مانع از احساس پوچی و بی‌هدفی می‌شود. این امر می‌تواند به معنایابی در تحمل رنج‌ها بیانجامد و به‌عنوان فعالیت آگاهانه برای همسو کردن خواسته‌های فردی با اهداف معنوی تعریف شود.

ب) آموزه‌های قرآنی با القای مفهوم «مسئولیت الهی»، «آزمایش بودن سختی‌ها» و «امید به رحمت الهی» (زور: ۵۳)، این آموزه‌ها با ایجاد حس مسئولیت وجودی، تقویت تاب‌آوری و نگرش کلان به حیات، به‌عنوان سدی محکم در برابر پدیده خودکشی عمل می‌کنند. انسان مؤمن، حتی در شرایط دشوار زندگی، با تکیه بر امید، توکل و صبر، احساس معنا و امنیت وجودی می‌یابد و در نتیجه فرد را به سمت تعالی اخلاقی سوق می‌دهد.

پ) پیشگیری از خودکشی از منظر قرآن، از مسیر بازیابی معنای زندگی و خود ارزشمندی می‌گذرد؛ وقتی انسان در پرتو آیات الهی به جایگاه خود در جهان هستی واقف گردد، انگیزه‌ای برای حفظ و ارتقاء نفس خویش می‌یابد و خودکشی را در مواجهه با تجربیات منفی و افکار منفی، شکست و طردشدگی نمی‌بیند.

ت) کرامت انسان در قرآن، امری فطری و ذاتی است؛ قرآن با تعبیراتی چون «نفخت فیہ من روحی» (حجر: ۲۹) و «و لقد کرمنا بنی آدم» (اسراء: ۷۰) به انسان، شأنی الهی می‌بخشد که مستقل از نژاد، جنسیت و موقعیت اجتماعی، دارای کرامت وجودی است.

ث) خودشکوفایی و کرامت‌ارزشی، محصول انتخاب معنوی انسان است؛ علاوه بر کرامت فطری، انسان در پرتو ایمان و عمل صالح می‌تواند به ارزشمندی درونی، رشد شناختی و

رحمت خدا مایوس نمی‌شوند مگر کافران).

این آیه نشان می‌دهد که ناامیدی مطلق، نشانه‌ای از غفلت از ایمان و ارتباط با خداست. فرد مؤمن، هرچند گرفتار سختی شود، امیدش را از دست نمی‌دهد؛ زیرا معنا و کرامت وجودی خود را در ارتباط با خدا باز می‌یابد.

۲. انسان از منظر قرآن کریم

لفظ «انسان» در آیات قرآن ۵۷ بار ذکر شده و سوره‌ای نیز به این نام بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است. همچنین، در قرآن مجید، واژگان بشر، ناس، انس، اناسی و بنی‌آدم برای انسان به کاررفته است. البته، کلمه انسان، اسم جنس فردی بوده، فقط بر تک‌تک افراد، اطلاق می‌گردد، ولی واژه بشر، هم به صورت اسم جنس فردی و هم جمعی به کار می‌رود و ظاهراً، زمانی واژه بشر استعمال می‌شود که هیکل و صورت جسم انسانی موردنظر است. الناس، اناس و انس، همه اسم جنس‌اند، با این تفاوت که الناس به کل انسان‌ها اطلاق می‌گردد و بیش از هر کلمه دیگر در قرآن، به عنوان مرادف انسان ذکر شده است؛ ولی اناس، معمولاً به دسته و گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود. انس در مقابل جن به کاررفته و مانند واژه بشر برای مجموع انسان‌ها استعمال می‌شود. بنی‌آدم نیز به همه انسان‌ها به اعتبار نسل او گفته می‌شود؛ اما واژه آدم در قرآن مانند نام عیسی و موسی اسم خاص بوده، هرگز به دیگر انسان‌ها اطلاق نمی‌شود. (۱)

قرآن کریم، بسیاری از آیات خود را به انسان اختصاص داده، در برخی از آن‌ها، انسان را ستوده و در شماری دیگر، وی را نکوهش کرده است. انسان در این فرهنگ، تفاوتی ذاتی با همه آفرینش دارد و برخلاف بینش غربی، همانند پدیده زیست‌شیمیایی پیچیده تلقی نمی‌گردد و نیز قرآن برخلاف دیگر علوم بشری انسان را به مثابه حیوان ناطق یاد نمی‌کند؛ چه آنان که انسان را به صورت ظاهری او می‌شناسند، او را موجودی

تعالی روحی دست یابد که این امر در پرتو «قرب الهی» تحقق می‌یابد و سطح بالاتری از امیدواری و رضایت از زندگی را در پی دارد تا در مواجهه در بحران‌ها از منابع معنوی برای تابع آوری خویش استفاده کند.

۱. خودکشی از منظر قرآن کریم

پدیده خودکشی در عصر حاضر، یکی از مصادیق بحران معنوی و گسست انسان از هویت و حقیقت وجودی خویش است. فردی که به خودکشی روی می‌آورد، معمولاً گرفتار احساس بی‌ارزشی، تنهایی، ناامیدی و بی‌هدفی است؛ عواملی که از نگاه قرآن، نتیجه نادیده انگاشتن کرامت الهی انسان و فاصله گرفتن از معنا و عبودیت پروردگار به شمار می‌آید.

قرآن کریم، حیات انسان را موهبتی الهی می‌داند و حفظ آن را امری مقدس تلقی می‌کند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء: ۲۹) (خودتان را نکشید؛ همانا خداوند نسبت به شما مهربان است).

این آیه ضمن نهی صریح از خودکشی، به رحمت خداوند به عنوان پشتوانه‌ای معنوی اشاره می‌کند؛ گویی انسان با ایمان به رحمت الهی، در سخت‌ترین لحظات نیز امید و اتکای معنوی دارد و نیازی به تسلیم شدن در برابر یأس نمی‌بیند.

از سوی دیگر، انسان در قرآن موجودی گران‌مایه و شریف معرفی شده است؛ کسی که خداوند او را بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (إسراء: ۷۰) این کرامت، صرفاً جسمانی یا زیستی نیست، بلکه برآمده از روح الهی، اختیار، عقل و قابلیت تعالی اوست. فردی که به کرامت خویش آگاه باشد، زندگی خود را بی‌ارزش نمی‌پندارد و مرگ را نه پایان رنج، بلکه انقطاع از فرصت تعالی و مسؤولیت می‌داند. قرآن، خودکشی را نوعی ظلم به نفس قلمداد می‌کند: «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷) (از



می‌دانند که از حیث حیات با دیگر جانداران مشترک و از جهت نطق، از آنان متمایز است.

انسان در نگاه قرآن، موجودی است که از روح الهی در آن دمیده شده است. جسمش مرتبط به فرش دنیاست و روحش متعلق به عرش بالا. حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی، تعریف انسان را در قرآن با تعبیر «حیّ متألّه» ترسیم کرده‌اند. جنس تعریف قرآنی از این منظر، «حیّ» است که تفاوت آن با حیوان در بقا و عدم نابودی روح اوست و به لحاظ همین جنس، همتای فرشتگان گشته، از مدار وجود بیرون نمی‌رود. البته، بدن آدمی، جنبه فرعی او را تشکیل داده، از میان می‌رود و لذا، با همین ویژگی (حدوث زمانی) از ملائکه جدا می‌گردد؛ بنابراین، آنچه به‌منزله جنس انسان است، «حیوان» نیست تا آدمی را با دیگر جانوران، مشترک سازد (۲)

نتیجه آنکه هویت انسان از نگاه قرآن، صرفاً به‌مثابه حیوانی مستقیم‌القامه که ناخنی پهن داشته و با دو پا راه می‌رود، تلقی نمی‌شود؛ بلکه وی، مخلوقی دوبعدی، معجونی از جنبه مادی و گوهری فرا مادی یا روحی است که با آیه شریفه « وَ نَفِخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي » (حجر / ۲۹) به آن اشاره گشته است. تصریح به ترکیب خاک و افلاک و تنسیق ملک و ملکوت در وجود وی نیز از آیه شریفه «فَالْيَوْمَ نَبْجِيكَ بَبَدْنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً» (یونس / ۹۲) برداشت می‌گردد؛ یعنی انسان در پس این پرده خاکی بدن، حقیقتی دیگر داشته که غیرقابل تغییر بوده، ثبات شخصیتی وی نیز رهین وجود همان است. طبعاً، جسم انسان، تنها ابزار وسیله‌ای برای کمال روان و تعالی روحی وی تلقی می‌گردد؛ چه تمایل ذاتی انسان، رو به سوی خدا گرایي قوام‌یافته که «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». (روم / ۳۰)

۱-۲. کرامت انسانی از منظر قرآن کریم

یکی از مسائل بسیار مهم که در قلمرو انسان‌شناسی بررسی می‌شود، «کرامت و فضیلت انسانی» است. این بحث در فرهنگ بشری، پیشینه‌ای طولانی داشته و دیدگاه‌های گوناگونی نیز در این زمینه ارائه شده است.

پرسش‌های مطرح در این حیطه آن است که ارزش و مقام انسان در نظام آفرینش چیست؟ آیا انسان بر سایر موجودات برتری دارد یا خیر؟ آیا کرامت انسان، خدادادی است یا مخلوق بشر است؟ آیا همه انسان‌ها از آن برخوردارند، یا تنها به گروهی از فرزندان آدم عطا گردیده است؟ ارزش انسان مربوط به کدام حیث وجودی اوست؟ کرامت انسانی دارای چه ابعادی است؟ رهاورد و آثار کرامت انسان (لوازم و مسئولیت‌ها) کدام است؟ کرامت از ماده کرم در لغت به معنای گرمای داشتن، بزرگواری و شرافت است. (۳) این واژه، با مشتقات مختلف وسعه مفهومی خود، بارها، در قرآن تکرار شده است. این ویژگی (شرافت) در برخی از موارد به ذات و حیثیت وجودی اشیاء مانند رزق کریم، زوج کریم، مقام کریم و ... حمل شده و در برخی موارد به عمل یا خلق پسندیده انسان نیز منتسب می‌شود. همچنین، اگر این صفت، در مورد خداوند استعمال شود، به معنای احسان و انعام پروردگار نسبت به بندگان خواهد بود. (۴)

از منظر قرآن مجید، کرامت انسانی، موهبتی است که خداوند آن را به آدمی عطا کرده و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است؛ چه به‌صراحت قرآن کریم، وجود انسان سرفرازترین مخلوق و زیننده‌ترین صورت است؛ خداوند در سوره تین می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، آیه ۴) و در سوره مؤمنون برای خلق انسان، به خود تبریک می‌گوید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَتَّارِكِ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». (مؤمنون / ۱۴)

از نگاه قرآن، کرامت انسانی به‌مثابه یک اصل آفرینش وجود بشر و تنیده در سرشت آدمی است و سبب امتیاز انسان

قابلیت خاصی به او عطا شده است و به واسطه همین ویژگی در جایگاهی برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات الهی است. از سوی دیگر، قرآن کریم در مقام تبیین کرامت انسان، مصادیقی از نعمت‌های الهی را ذکر می‌کند که ارزش اخلاقی ندارد، ولی انسان به واسطه آن‌ها دارای بهره وجودی بیشتری می‌شود. همچنین، در بخشی از آیات، انسان مورد نکوهش قرار گرفته و حتی فروتر بودن او از حیوانات ذکر شده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال / ۲۱) و «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف / ۱۷۹).

در مجموع به نظر می‌رسد که نفخه روح (فطرت)، عقل و قدرت تعلیم، صورت انسانی، اختیار و آزادی از جمله مؤلفه‌های کرامت طبیعی انسان است. ولی در مقابل آیه کرامت، آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۵۱۷) نیز قرار دارد که کرامت انسان در قوس صعود و سیر کمال آدمی از نقص به قرب حق تعالی را بیان می‌کند و لذا، مدح مذکور از رهگذر افعال اختیاری به انسان بازمی‌گردد. طبیعاً، ره‌توشه این مسیر، تقوای الهی، با مؤلفه‌های آن مانند معرفت، ایمان و عمل صالح، است که یگانه معیار کرامت انسانی تلقی می‌شود.

بنابراین، بیان قرآن درباره کرامت انسانی به دو گونه مطرح است؛ بخشی از آیات، ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات را تبیین کرده است و در برخی کرامت اکتسابی و ارزشی را ذکر کرده است. با عنایت با تحلیل آیات مرتبط با کرامت و تبیین دیدگاه قرآن و توجه به بار معنایی هر یک از آیات مرتبط با کرامت ذاتی و اکتسابی، بهتر آن است که این دو را از هم جدا انگاریم و آن‌ها را درهم آمیخته نسازیم؛ چه متعلق کرامت طبیعی، بنی آدم و موضوع کرامت ارزشی، متقیان محسوب می‌شوند؛ به طوری که کرامت طبیعی رهین خلقت

بر دیگر موجودات می‌گردد. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ جَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰). البته این کرامت در قوس نزول و در جریان تکوین انسان مطرح است که امتیازات انسان را بر دیگر موجودات بیان می‌کند و لذا، مدح انسان به کرامت، در واقع مدح پروردگار کریم است؛ چراکه در نتیجه فعل خداوند، انسان بر سایر موجودات برتری داده شده است.

دیدگاه علامه طباطبایی درباره این آیه حائز اهمیت است. وی می‌نویسد:

این آیه شریفه درباره خصایص مادی و دنیوی سخن می‌گوید و در سیاق امتنان و عجبین با عتاب است و لذا، مراد از آیه شریفه، جنس بشر است و مقصود از تکریم نیز اختصاص انسان به عنایت و شرافتی است که در دیگران نیست. از این رو، تکریم، معنایی نفسی است و در آن غیر شریک نیست، برخلاف تفضیل، که شخص مورد تفضیل در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد، ولی بر آنان برتری دارد؛ یعنی به اقتضای تفضیل، کمالات سایر موجودات نیز در حد اعلای آن در وجود انسان هست. امتیاز برتری انسان نیز به داشتن موهبت عقل است، آن عقلی که انسان به این وسیله، حق را از باطل و خیر را از شر و نافع را از مضر تمیز می‌دهد؛ ادامه آن آیه، یعنی «وَجَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ» نیز یکی از مظاهر تکریم بشر است که از رهگذر عقل نصیب وی شده است. رزق طیبات هم از دیگر مظاهر تکریم است که انسان را بسان میهمانی دانسته که به این وسیله وی را تکریم می‌کند؛ بنابراین، عطف جمله‌های «وَجَمَلْنَاهُمْ...» و «وَرَزَقْنَاهُمْ...» بر تکریم، عطف مصداقی است که از عنوانی کلی انتزاع شده و بر آن متفرع شود. (۵)

از این رو، آیه فوق می‌تواند دلالت بر کرامت ذاتی و تکوینی انسان داشته باشد؛ یعنی، خلقت آدمی به گونه‌ای است که



انسانی در قوس نزول و عالم ناسوت است و کرامت اکتسابی قرین سلوک در صراط مستقیم وصول به عالم جبروت، طبعاً، آنان که از انسانیت تنزل کنند و در طریق معوج شیطان قدم نهند، به منزل حیوانیت و یا پایین‌تر از آن هبوط خواهند کرد. مع الوصف تا زمانی که عنوان بنی‌آدم با مؤلفه‌های کرامت طبیعی مانند روح، عقل و اختیار بر ایشان صادق است، از حقوق فطری، طبیعی و اجتماعی نیز برخوردار خواهد بود؛ مگر آنکه خالق شارع، مجازاتی خاص را برای ارتکاب اعمال آنان تعیین کند که البته، فرا رفتن از آن نیز موجب ظلم بر بزه‌کار خواهد بود. بر مبنای کرامت ذاتی انسان و تقدس حیات انسانی در اسلام، حفظ حیات یک تکلیف است و نه یک حق؛ چراکه اسلام برای حیات، ارزشی ذاتی قائل است و هر عملی که به این ارزش لطمه وارد نماید، گویا به کل حیات انسان‌ها به‌سان امری حقیقی لطمه وارد کرده است. از این‌رو، حیات حقیقتی کلی است و حیات انسان، با ارزش‌ترین درجه حیات است. حیات انسان، یک امانت الهی است و انسان مالک حیات و مرگ خویش نیست تا خودکشی یا اجازه قتل خودش، امری خصوصی و صرفاً مربوط به افراد باشد و لذا، قتل هر انسانی مانند قتل همه انسان‌ها و احیای هر فردی، همانند احیای همه انسان‌ها تلقی شده است؛ درحالی‌که ایجاد مرگ، عملی است که علیه حقیقت کلی حیات محسوب می‌شود و هم‌مغایر با حیات مقدس انسان به‌عنوان موجودی کریم و منحصر به فرد است و از این‌رو، زندگی انسان، نباید به کالایی تبدیل شود که آدمی به میل خود با آن معامله کند.

از سوی دیگر توصیفات که درباره شرافت ذاتی و کرامت ارزشی انسان در منابع دینی وجود دارد، نشان می‌دهد انسان به‌خودی‌خود، از جایگاهی به‌مثابه منشأ یک حق برخوردار است؛ حقی که آمیخته با تکلیف خود و دیگران به حفظ آن منزلت است؛ یعنی کرامت ذاتی انسان، مستلزم رعایت حقوق فطری ناشی از آن در روابط حقوقی و اجتماعی است؛ و به تعبیر

دقیق‌تر، کرامت، منشأ حقوق بنیادینی مانند حق حیات است که مطلق بوده و آمیخته با تکلیف است که موضوع آن، نفس و ذات آدمی است و این امر، برگرفته از همان مؤلفه‌ها و مختصاتی است که او را در میان همه جانداران، متمایز و منحصر به فرد ساخته است.

۲-۲. عزت انسانی از منظر قرآن کریم

کلمه «عزت» به معنای حالتی است که انسان را از شکست و مغلوب شدن مصون می‌دارد (۴) از همین رو، گفته می‌شود: «ارض عزاز» که به معنای زمینی سخت و مقاوم است. در قرآن نیز آمده است: «أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ بنابراین، صلابت به‌عنوان اصل معنای عزت شناخته می‌شود. در واقع، از باب توسعه در کاربرد، به کسی که قاهر و غیرمغلوب است، «عزیز» می‌گویند، مانند جمله «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ». همچنین، در مواردی مانند غلبه و تسلط به‌کاررفته است، مانند: «وَعَزَّيْنِي فِي الْخِطَابِ» و نیز در معانی کمیاب و دشوار دستیابی، مانند «وَإِنَّهُ لِكِتَابٌ عَزِيزٌ»، یا در معنای عمومی سختی، مانند «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ». عزت به معنای غیرت و حمیت نیز آمده است، مانند آیه «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ» و دیگر آیات مشابه. حال که معنای لغوی «عزت» روشن شد، باید گفت که عزت به معنای اصلی آن، یعنی قهری بودن و نپذیرفتن شکست، مختص به خداوند متعال است؛ زیرا غیر از خدا، هر موجودی در ذات خود فقیر و ذلیل است و هیچ‌چیز از آن خود ندارد، مگر آنکه خداوند به او ترحم کند و بخشی از عزت را به او عطا نماید، همان‌طور که این کار را با مؤمنان کرده و فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ بنابراین، آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» به این معناست که هر کس عزت می‌خواهد، باید از خدا طلب کند، زیرا همه عزت‌ها متعلق به خدا است.

(۵)

این جمله در واقع به‌جای اشاره مستقیم به درخواست

انسان، امید به رحمت خداوند و معنا بخشی به سختی‌ها، فرد را از سقوط در ورطه ناامیدی بازمی‌دارد و عزت‌نفس او را تقویت می‌کند.

۲-۳. هدفمندی انسان در زندگی از منظر قرآن کریم

از نگاه قرآن، هدف زندگی انسان چیست؟ انسان برای چه خلق شده و برای چه زندگی می‌کند؟ تعالی نفس انسان چگونه است؟ نفس چگونه تنازل پیدا کرده، آفت‌زده و فاسد می‌شود؟ مسئله غایت در خلقت انسان و تعالی روحی او، وابسته به شناخت ماهیت انسان و ظرفیت‌های وجودی اوست. از این رو، با عنایت به نفس نفیس انسان و نفخه الهی در آن، روشن می‌گردد که غایت آفرینش وی، از رهگذر تجلی بینش توحیدی و عبادت خدا، هدایت به سوی نور وصول به سعادت ابدی است: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَمِثْنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». (طلاق / ۱۱-۱۰) قرآن از زبان انسان کامل مانند ابراهیم علیه السلام هدف از زندگی را تبیین می‌کند: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام / ۷۹) و لذا، خداوند به پیامبر اسلام صل الله علیه و آله نیز می‌فرماید که او نیز از آیین حنیف ابراهیم پیروی نماید: «قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». (انعام / ۱۶۱) اکنون، سوال آن است که آیا بینش توحیدی و عبادت خداوند برای انسان، کمال و خیر است یا مقدمه کمال است؟

برای پاسخ به این مسئله، ذکر مقدمه‌ای در معنای تکامل و اقسام آن لازم است. تکامل در مفهوم عرفی خود، نوعی تعالی و صعود و حرکت رو به بالا وجود دارد و این برخلاف پیشرفت و توسعه است که به حرکت در یک سطح نیز اطلاق می‌شود؛ مثلاً، به سپاهی که در قلمرو دیگری، تصرف می‌کند

عزت از خداوند، سبب آن را بیان می‌کند؛ یعنی باید عزت را از خداوند متعال از طریق عبودیت و ایمان به دست آورد، چون عزت در نهایت از خداوند است.

موریس روزنبرگ (۱۹۶۵) عزت‌نفس را ویژگی‌ای نسبتاً پایدار در شخصیت انسان دانسته است که بیشتر از آنکه وابسته به عملکردهای لحظه‌ای باشد، بازتابی از نگاه کلی فرد به خود است. (۶) آبراهام مازلو (۱۹۴۳) عزت‌نفس را یکی از نیازهای اساسی انسان معرفی کرده است و آن را در مرحله دوم از هرم نیازهای انسانی قرار داده است، درست پیش از خودشکوفایی.

مازلو عزت‌نفس را به دو بخش تقسیم می‌کند:

عزت‌نفس درونی: مانند حس شایستگی، اعتماد به نفس، استقلال و موفقیت.

عزت‌نفس بیرونی: مانند احترام، پذیرش، اعتبار و شناخت از سوی دیگران.

طبق دیدگاه مازلو، اگر این نیازها برآورده نشوند، فرد ممکن است احساس بی‌ارزشی، ضعف یا ناکامی کند؛ اما اگر این نیازها ارضا شوند، فرد به خودشکوفایی و تحقق توانمندی‌های بالقوه خود می‌رسد. به باور مازلو، عزت‌نفس حاصل از دیگران شکننده است و به راحتی در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرد. برای کسب خودشکوفایی، فرد باید عزت‌نفس مطلوبی داشته باشد. مازلو معتقد است که یکی از تجلیات بارز عزت‌نفس سالم، احترامی است که فرد برای دیگران قائل می‌شود، بدون در نظر گرفتن شهرت یا مقام اجتماعی و بدون چاپلوسی و ریا. (۷) چه کسی مانند خداوند بدون در نظر گرفتن این موارد برای انسان ارزش قائل است.

عزت‌نفس و احساس ارزشمندی که از ایمان و اعتماد به خداوند ناشی می‌شود، نقش مهمی در حفظ سلامت معنوی و روانی دارد. انسان عزتمند که خود را از نظر کرامت و ارزش ذاتی محترم می‌داند، کمتر به ناامیدی و رفتارهای خودویرانگر مانند خودکشی گرایش پیدا می‌کند. قرآن با تأکید بر مسئولیت الهی



نگاه قرآنی به خود ارزشمندی انسان ...

و به سرزمین خود می‌افزاید، می‌گویند که این لشکر، پیشروی کرده است. لذا، چه بسا، برخی امور، برای انسان پیشرفت باشد ولی تکامل و تعالی شمرده نشود. تکامل با تمامیت نیز تفاوت دارد: اگر همه اجزای لازم در یک شیء نباشد، ناقص است و لذا، وقتی آخرین جزء آن نصب شود و همه اجزاء به پایان رسد، آن شیء به تمامیت می‌رسد؛ در مقابل، واژه تکامل به بالا رفتن درجات و مراحل گفته می‌شود. (۸)

نکته دوم آنکه انسان از دو نوع تکامل برخوردار است: یکی، تکامل زیستی و طبیعی و دوم، تکامل معنوی و اکتسابی. تکامل اول، به صورت قهری بوده و بدون دخالت و خواست انسان است و از این رو، میان انسان و سایر حیوانات تفاوتی نیست. تکامل دوم، با اختیار انسان و از رهگذر تعلیم و تهذیب انجام می‌پذیرد. نتیجه آنکه هدف انسان در فرهنگ قرآن، وصول به حقیقت و تقرب به خداست و ایمان، پیوند انسان با پروردگار است که لازمه آن نیز تصمیم بر عمل به دستورات الهی خواهد بود که موجب کمال و تعالی انسان است. در مقابل، سقوط انسان در اثر دوری از خدای متعال یا انکار آن و عناد در برابر آن است؛ چه انسانیت انسان، بستگی به روح ملکوتی او دارد و تکامل انسانی هم در حقیقت، همان تکامل روح است که با فعالیت اختیاری خودش حاصل می‌شود و کمال یا هبوط انسان را نمی‌توان از راه تجارب حسی و با مقیاس‌های کمی شناسایی و اندازه‌گیری کرد؛ چه آن‌سان که گذشت، نفس و قوای وجودی آن، امری حسی نیست و لذا، صلاح و فساد آن نیز متعلق ادراک حسی واقع نمی‌شود؛ بلکه راه درک رشد و ضعف نفس، علم حضوری است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس / ۷ و ۸) و نیز می‌فرماید: «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدِمَتْ وَآخَرَتْ» (انفطار / ۵) و باز می‌فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مِعَاذِرَهُ» (قیامت / ۱۴). به هر روی، طبق برخی از آیات سوره شمس، نفس انسان

قابلیت پاکي و آلودگی دارد (قیامت / ۹ و ۱۰). هر آن کس که نفس خویش را پاکیزه گرداند، تکامل می‌یابد و رستگار می‌گردد و هر فردی که نفس خود را آلوده سازد، طبعاً، آن را تباه کرده است و گاه به مرتبه شرّ الدواب می‌رسد که نه تنها خیر و ثمری ندارد، بلکه از درون آن، آتش زبانه می‌کشد: «نَارُ اللَّهِ الِّمُوقِدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْإِفْتِدَةِ». (همزه / ۶ و ۷) آتشی که مواد آن نیز خود انسان‌ها هستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوِدْهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». (تحریم / ۶)

از سوی دیگر، قرب به خداوند، محور معارف توحیدی و اوج تکامل انسانی است و خداوند برای ایجاد انگیزه در بشر و رعایت تقوا برای حرکت به سوی لقاءالله و رسیدن به مقام خلیفه الهی از تشویق و انذار بهره می‌برد؛ رسیدن به درجه‌ای که هر آنچه طلب کنند، مهیا می‌شود: «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ». (فرقان / ۱۶) از این رو، قرآن، همگان را به سبقت و سرعت به سوی مغفرت پروردگار دعوت می‌نماید: «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (حدید / ۲۱) و فائزان را مقربان دانسته و آنان را با وصف «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه / ۱۰-۱۱) می‌ستاید و مقام قرب را پاداش آنان می‌داند و جایگاه ایشان را «فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (واقعه / ۱۲) قرار می‌دهد.

حاصل آنکه انسان در نگاه قرآن، ظرفیت رسیدن به مقامی ویژه و منصبی والا داشته، می‌تواند از ناسوت تا لاهوت تعالی یابد و به کمالی که برای آن آفریده شده، نایل گردد و با رسیدن به نفس مطمئننه، ورود در جرگه عباد الله و دخول در جنه الله سعادت ابدی را به دست آورد. راه رسیدن به آن مقام نیز از خود انسان و عقاید و اوصاف درونی او آغاز می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَيْضَرُّكُمْ مِنْ ضِلَالٍ إِذَا هْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ

مِزْجِعِكُمْ جَمِيعًا فُئِنِّيَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». (مائده / ۱۰۵)

نتیجه‌گیری

انسان از حیث «هویت» موجودی دو بُعدی است؛ ترکیبی از جسم و روح الهی که به واسطه‌ی «نفخه‌ی روح» از سایر موجودات متمایز می‌گردد و هویتی فراتنی («حیّ متألّه») می‌یابد. از منظر قرآن، کرامت انسانی در دو بُعد قابل تحلیل است: کرامت طبیعی (مانند نفخه روح، عقل و اختیار) و کرامت اکتسابی (مانند تقوا، ایمان و عمل صالح). کرامت طبیعی مربوط به قوس نزول و خلقت انسان است، در حالی که کرامت ارزشی در مسیر سیر کمال و قرب الهی شکل می‌گیرد. غایت آفرینش انسان، تجلی توحید و عبودیت است؛ امری که او را از «ظلمات» به «نور» هدایت می‌کند. این بینش توحیدی

نه تنها روح امید و معنا را در انسان زنده نگه می‌دارد، بلکه یکی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری از بحران‌های معنوی، از جمله اقدام به خودکشی به شمار می‌آید. از سوی دیگر، عزت نفس پایین با مجموعه‌ای از مشکلات روان‌شناختی نظیر افسردگی، اضطراب، کناره‌گیری اجتماعی و افکار خودکشی مرتبط است. بنابراین، هر چه انسان در مسیر دستیابی به کرامت انسانی و تقویت عزت نفس گام بردارد، به همان میزان از شدت و بسامد افکار یا رفتارهای مرتبط با خودکشی کاسته خواهد شد. هنگامی که انسان خود را عزیز و محترم بداند و معنای زندگی را در چارچوب الهی بیابد، کمتر دچار بحران‌های روانی و رفتارهای خودویرانگر می‌شود؛ بنابراین، تقویت عزت نفس از منظر قرآن یکی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری از خودکشی است.

منابع

1. Misbah Yazdi, M. Quranic teachings. 4th. Qom. Imam Khomeini Quds Sar Institute. 2004
2. Javadi Amoli, A. Thematic interpretation of the Quran (the true life of man in the Quran) 2nd. Qom. Esra. 2005
3. Wasti Zubaydi, M. Taj al-Arus, my jewel of al-Qamoos. Ind. Beirut. Dar al-Fakr. 1993
4. Raghieb Isfahani, H. Vocabulary words of the Quran. Ind. Beirut. Dar al-Alam. 1991
5. Tabatabaei, Seyyed M. Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an. 8th. Qom. Islamic publication. 2004
6. Rosenberg, M. Society and the adolescent self-image. Ind. New Jersey. Princeton University Press. 1965
7. Maslow, A. H. Motivation and personality. Translated by Ahmad Rezvani. 4th. Mashhad. Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute. 1996
8. Motahari, M. Human social evolution. 3rd. Qom. Sadra. 1984
9. The Holy Quran



The Quranic View of Human Self-Worth and Its Role in Preventing Suicide

Hamid Sotudeh^{1*}, Mojtaba Masumbeyki², Neda Kanani³

Abstract

Background and Objective: This research aims to explain the position and dimensions of self-worth from the perspective of the Holy Quran and to investigate the role of this perspective in strengthening spiritual health and preventing self-destructive behaviors, especially suicide. This research attempts to demonstrate, through the analysis of verses related to dignity and self-esteem, how the Quran's monotheistic and dignity-based perspective view of humanity can be effective in reconstructing the meaning of life and coping with psychological and existential crises.

Method: This research was conducted using a library-based method and a descriptive-analytical approach. The necessary data was obtained from the Holy Quran and analyzed.

Results: a) Recognizing one's divine identity creates meaning in life. B) Quranic teachings, by instilling the concepts of "divine responsibility," "trials as tests," and "hope in God's mercy" (Zumar: 53), prevent individuals from falling into despair and self-destruction. C) Preventing suicide, from the Quran's perspective, involves restoring the meaning of life and self-worth. D) Human dignity in the Quran is an innate and inherent quality. E) Self-actualization and valuable dignity are the products of a person's spiritual choices.

Conclusion: The Quran, by providing a monotheistic framework for interpreting life's hardships and sufferings, gives humans profound meaning and a lofty purpose. Therefore, the Quran's bestowal of dignity upon humanity can act as a barrier against suicide resulting from spiritual collapse.

Keywords: Human Dignity, Human Identity, Life Purpose, Spiritual Health, Suicide.

1. Corresponding Author : Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. and Iran University of Medical Sciences, Center for Interdisciplinary Research Development in Islamic Studies and Health Sciences
sotudeh.h@iums.ac.ir
2. Master's student in Family Counseling (Family Therapy), Azad University, Tehran North Branch, Tehran, Iran
mojtababeygi1368@gmail.com
3. Master's student in Family Counseling (Family Therapy), Azad University, Tehran North Branch, Tehran, Iran
neda77kanani@gmail.com